

«بسمه تعالی»

تبریز را به شهری خلاق تبدیل کنیم

مقدمه:

بسیاری از ما، در شهرها زندگی می‌کنیم ولی هنگامی که با کمی دقت به اطراف خود نگاه می‌کنیم در می‌یابیم شهرها تبدیل به موزه‌هایی شده‌اند که نازیبایی‌ها را به نمایش گذاشته‌اند به هنگام طلوع آفتاب، کوچه‌ها و خیابان‌ها با دستان زحمت کش و پرکار نیروهای خدماتی شهرداری از آلودگی‌ها پاک می‌شوند و در انتهای روز، تمامی سطح کوچه و خیابانها پر از زباله می‌شود. کمتر کوچه و خیابانی را میتوان یافت که با گل و گیاه و با نظمی در خور تحسین آراسته شده باشد، به گونه‌ای که با عبور از آن، روح انسان تلطیف یابد. در نمای ساختمانها خبری از بکارگیری فضاهای سبز نیست و بسیاری از مردم حتی اطلاعاتی نیز در این زمینه ندارند و خلاصه آنکه خبری از خلاقیت انسانها در شهر برای شهر و زیبایی آن نیست.

هنگامی که از یک مجتمع مسکونی و یا منزل شخصی خود خارج می‌شویم و به داخل کوچه می‌رویم در می‌یابیم که به محیطی قدم گذاشته‌ایم که دیگر کسی در فکر زیبا نمودن آن نیست و شهرداری نیز از منابع انسانی کافی برای حضور در تمامی اجزای شهر برخوردار نیست و چه بسا برای حضور در تمامی قسمت‌های شهر، نیاز به لشکری بیکران از انسانهاست که امکان تأمین آن نیز امکان پذیر نخواهد بود و تنها راه ایجاد شیوه‌هایی نوین برای رسیدن به شهری زیبا خلاقیت در فضای شهری است یعنی روشی برای بیشینه کردن امکانات در هر شرایط و افزودن ارزش و معنا به نتیجه اقدامهای انسانی در هر زمینه‌ای و ایجاد شهری خلاق با شهروندان خلاق و مدیریتی خلاق.

زمینه های خلاقیت در شهر:

شهر یک اثر هنری بزرگ است که آفرینندگانی به وسعت خود و به تعداد جمعیتش دارد. هدف غایی یک شهر ایجاد محیطی خلاق و پرورنده برای مردمی است که در آن زندگی می کنند. چنین محیطی با گوناگونی بسیار، آزادی انتخاب به افراد می دهد و زمینه خلاقیت را فراهم می آورد، فضای شهر حداکثر ارتباط را با مردم و زیست گاه پیرامون آن برقرار می سازد.

نوآوری و ایده پردازی، اکنون در اغلب کشورها به عنوان یکی از چارچوب های مهم برای شکوفایی همه جانبه و توسعه پایدار برای جامعه پذیرفته شده است. این که یک جامعه بتواند با کمک ظرفیت های نوآورانه خود، به صورت مداوم و گسترده به خلاقیت و نوآوری در حیطه های مختلف مسائل و موضوعات خود دست بزند. به این معنا که مدام به کشف و بازتعریف مسائل خود پردازد و از این طریق در جستجوی یافتن راه های جدید برای حل مسائل و شکوفا کردن و رشد توانمندی های خود باشد. ایده پردازی، به ویژه در مدیریت شهری از اهمیت و کاربرد بیشتری برخوردار است.

اولین بار «دبور» در سال ۱۹۶۷ مبحثی با عنوان «شهر تماشایی یا شهر نمایش» مطرح کرد. نظر او ظهور پیش از موعد ایده تلفیق فضای اقتصادی و فرهنگی در مقیاس انسانی به ویژه در موضوعاتی نظیر فضاها، مولد جدید، مجموعه های فرهنگی و به نمایش درآوردن محیط های بصری که در مادرشهرهای اصلی سراسر جهان بسیار مؤثر می باشد.

اولین کسی که بحث مناطق و شهرهای خلاق را مطرح کرد، ریچارد فلوریدا است. وقتی صحبت از خلاقیت میشود نگرش نو و جدیدی است که به ابعاد ساختاری شهر و منطقه می شود و عمدتاً به صورت اقتصادی و فرهنگی مطرح می گردد.

شهر خلاق بسیار به دیدگاههای مختلف اقتصادی و اجتماعی وابسته است و مفهوم مطلق نیست و در واقع با توجه به نوع ایده آل ها و فرهنگ است که مفهوم شهر خلاق مطرح می شود.

«فرهنگ» عضوی مهم در کیفیت زندگی شهروندان یک شهر خلاق است چرا که علاوه بر ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، عاملی برای جذب توریست و بالا بردن ارزش اقتصادی در زنجیره اقتصادی شهر است.

از جمله ویژگی های عمومی هر شهر خلاق این است که مکانی جذاب برای کار کردن و زندگی شهروندان خود بخصوص نسل جوان، مکانی جذاب برای گردشگران (صنعت توریسم)، توانمند در شکوفایی بخش های مختلف اقتصادی (از راه به کارگیری فنآوری و مدیریت صحیح آن) و همچنین مرکز جذب بنگاه های مختلف اقتصادی باشد. شهر خلاق ایده ای نیست که به طور ناگهانی طرح شده باشد. اما این ایده با طرح اقتصاد دانش پایه شدت بیشتری می گیرد.

فرض ابتدایی شهر خلاق آن است که آدم های عادی می توانند کارهای فوق العاده ای انجام دهند فقط به شرطی که فرصت کافی در اختیار داشته باشند. در شهر خلاق نه فقط هنرمندان و کسانی که در فعالیت های اقتصادی مشارکت دارند، خلاق اند بلکه خلاقیت می تواند از هر منبعی در جامعه سر چشمه بگیرد. تا کنون خلاقیت تنها در کار هنرمندان یک ضرورت محسوب می شد اما در شهر خلاق، تلاش می شود این ویژگی به تمام مشاغل و صنوف تسری پیدا کند. نیروی انسانی خلاق در کشورمان فراوان است و به طور مداوم نیز پرورش می یابد اما بزرگ ترین مشکل در این زمینه خروج این نیروی انسانی خلاق است که ضروری جبران ناپذیر به کشور وارد می کند. برای ایجاد شهر خلاق باید الزامات آن فراهم گردد که یکی از این الزامات وجود اراده ای قوی از طرف مسئولان شهری و شهرداری برای تمرکز و تجمع انسانهای خلاق است. این بدان معنا است که پرورش شهر خلاق و انسانهای خلاق فقط بر عهده دولت مرکزی نیست بلکه شهر و مدیریت شهری به طور اعم و شهرداری به طور اخص باید محیطی پذیرنده برای طبقه خلاق فراهم آورد.

خلاقیت از دید «بروسویک» یعنی جلب خلاقیت های جاری در جامعه از طریق درگیر کردن بهره وران است، به عنوان مثال در پارک فرهنگی قاهره از این تعریف بروسویک استفاده شد و برای اینکه فرآیند طراحی مشارکتی عملاً تجربه

شود، ماکت حجم هایی که قرار بود در پارک اجرا شود از چوب و فوم ساخته شد و برای چند هفته اجازه داده شد تا افراد، بچه ها و خانواده ها از آنها استفاده کنند. حتی عکس بعضی از فضاهایی را که نمی توانستند بسازند مثل آبنماها در زمین کشیدند. بعد منتظر ماندند تا ببینند که مردم چه عکس العملی نشان می دهند، کجاها می ایستند، کجاها راه میروند و به کجاها آسیب می زنند. از این طریق بازخورد افراد نسبت به محیط سنجیده شد و بعد پارک را ساختند. یعنی نخست مثل یک صحنه تأثر مدلی از طرحی که در نظر دارند به صورت آزمایشی با مصالح سبک و موقت در مقیاس یک به یک تهیه می کنند، بعد شکل نهایی پارک را بنا می کنند این یعنی فرآیند مشارکت خلاقانه در طراحی فضای شهری.

نمونه های عینی شهر خلاق در ایران و جهان:

شبکه شهر خلاق یونسکو در سال ۲۰۰۴ برای ارتقای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شهرهای جهان آغاز به کار کرده است که مبنای کار آن میراث فرهنگی و خلاقیت های هر شهر می باشد. شهرهای عضو ضمن ارتقای چشم انداز خلاق محلی خود به مأموریت یونسکو برای ایجاد تنوع فرهنگی کمک می کنند. اعضای شبکه شهرهای خلاق یونسکو به هفت رشته مختلف طراحی، ادبیات، موسیقی، فیلم، صنایع دستی و هنرهای قومی هنرهای رسانه ای و هنر آشپزی دسته بندی شده اند که به عنوان نمونه شهر برلین، آلمان و بوینس آیرس به عنوان شهرهای خلاق در زمینه طراحی و «پوپایان» کلمبیا به عنوان شهر اغذیه در فهرست شهرهای خلاق یونسکو ثبت شده اند.

در کشور خودمان تنها شهری که به عنوان نامزد کسب عنوان شهر خلاق یونسکو مطرح است شیراز با سابقه چندین سده ای در شعر و شاعری است برای ثبت نهایی شیراز در بخش ادبیات شهرهای خلاق یونسکو لازم است ضوابط ویژه ای مانند امکان برگزاری برنامه های هنری و جشنواره های ادبی، انتشارات فعال، واحدهای ادبیات در دانشگاه، کتابخانه و فروشگاه های مهم کتاب برپا شود.

براستی شهر تبریز با آن لقب «اولین ها» یش با آن سابقه دیرینه تاریخی اش از میان هفت رشته تعیین شده و سایر رشته های دیگری که در شبکه شهرهای خلاق یونسکو نیامده است در کدام رشته می تواند نامزدی کسب عنوان شهر خلاق را به خود اختصاص دهد؟ موسیقی؟ هنرهای قومی؟ صنایع دستی؟ و کدام رشته؟ بنظر میرسد صنایع دستی و شعر و شاعری از جمله موضوعات قابل طرح و پیگیری می تواند مورد توجه قرار گیرد.

واقعیت این است که شهری می تواند ادامه حیات دهد که بتواند یکی از قابلیت های عمده خود و در اصل مزیت خود را پیدا کرده و آن را از طریق جذب افراد مرتبط با آن مزیت توسعه دهد. متأسفانه در شهر تبریز با وجود پتانسیل های فراوان هنوز مطالعه ای در خصوص این مزیت و قابلیت اصیل صورت نگرفته است.

در شهر افراد مختلف با علایق و تخصص های مختلف زندگی می کنند و هر کدام قابلیت های متفاوتی دارند. این افراد در عین حال که یک مجموعه ناهمگنی را شکل می دهند، در درون خودشان اشتراکاتی هم می توانند داشته باشند و در عین حال که با هم متفاوتند، تشابهاتی هم دارند. برای جستجوی زمینه های خلاقیت در یک شهر باید دید که هر شهری بر سر کدام حوزه توافق بیشتری دارد و علایق مشترک مردم یک شهر عمدتاً حول کدام محور است. این محور مثلاً در شهر تبریز می تواند صنایع دستی، موسیقی سنتی، شعر و شاعری و یا امثالهم باشد.

چگونه تبریز را به شهری خلاق تبدیل کنیم؟

تبریز یکی از قطب های صنعتی ایران است و به همین دلیل یکی از مهم ترین شهرهای مهاجر پذیر ایران محسوب میشود. قطب صنعت خودروسازی و قطعه سازی کشور بوده و به عنوان بزرگ ترین تولید کننده لوازم و قطعات، در سطح منطقه خاورمیانه شناخته می شود. در زمینه صنعت نساجی و ماشین سازی و پتروشیمی فعالیت زیادی دارد. مدت هاست که مرکز هنر و صنایع دستی به خصوص سرامیک، سفال، جواهرآلات، نقره کاری بوده است.

اما فرش مهم ترین صادرات صنایع دستی آن است که از شهرت جهانی برخوردار است. تبریز مهد سینما و تئاتر ایران بوده و پیشینه ورود هنرهای مدرن به این شهر به بیش از یک و نیم سده می رسد. در زمینه صنعت چرم نیز جزء پیشتازان است و کیف و کفش آن عموماً دارای کیفیت بالایی است. نمایشگاه بین المللی تبریز یکی از بزرگ ترین مرکز نمایشگاهی در سطح ایران است.

با توجه به اینکه این شهر در دو سده اخیر منشأ بسیاری از تغییر تحولات اجتماعی و فرهنگی در کشور بوده و نقشی کلیدی در تحولاتی مانند انقلاب اسلامی ایران، انقلاب مشروطه، مدرنیزه کردن ایران داشته است، می توان استنباط کرد که به لحاظ فکری نیز دارای قابلیت های بسیار بالایی است.

اما علیرغم اوصاف فوق و هزاران هزار پتانسیل های دیگر موجود در شهر تبریز این شهر در هیچ کدام از ویژگی های فوق اکنون آنگونه که باید تقویت نشده و نتوانسته به عنوان شهری خلاق در یکی از این زمینه ها مطرح شود.

بنظر میرسد یکی از ضروری ترین موضوع در کنار تلاش برای تمیزی شهری، توسعه فضای سبز و بهینه نمودن مبلمان شهری و زیباسازی، ایجاد بسترهای لازم برای آزاد سازی انرژی و ظرفیتهای خلاقیت در شهر با گفتگوی دوطرفه و بسیج مردم در طی زمان تعریف شده می باشد.

فلذا تبدیل شهر تبریز به شهری خلاق کار دشواری نیست اگر:

۱. مباحث نظری شهر خلاق، طبقه خلاق، صنعت خلاق و ... توسط دانشگاهها و مراکز علمی مطرح گردد.
۲. موضوعات فوق وارد فرآیند برنامه ریزی شده و گفتگوهای مدیریت شهری با جمع ها و تشکل هایی مانند انجمن های هنرمندان، انجمن های صنفی متعدد توسعه یابد.
۳. شهرداریها در جهت فراهم سازی فضاهای فرهنگی مرتبط با موضوع برنامه ریزی نمایند.
۴. شهرسازان افق های دید خود را گسترده تر کرده و تخیل خود را در مواجهه با مسائل شهری پرورش دهند.

۵. پرورش تخیل و خلاقیت عموم مردم از جانب مدیران و مسئولان شهری در کانون توجه باشد.
۶. مزیت ها و پتانسیل های شهر تبریز تشخیص و در سطح ملی، فراملی تقویت گردد.
۷. تنوع علایق و عقاید از جانب هنرمندان، دانشگاهیان، توده مردم و در سطح شهر به رسمیت شناخته شود.
۸. طرح ها و ایده های نو از جانب شهروندان توسط سیاست گذاران شهری حمایت شود.
۹. اهداف و نیازهای گروه های مختلف در شهر برآورده شود.
۱۰. بسترهای بروز خلاقیت توسط شهروندان فراهم شود.

منبع:

۱۱. ماهنامه شهرداریها، سال یازدهم، شماره (۱۰۱)، آبان ماه ۱۳۸۹

۱۲. گوگل، مدخل ایده های نو